

بررسی عوامل انگیزشی نیروهای داوطلبی در ورزش دانشگاهی

دکتر مهرداد محرم زاده^۱، محمد صادق افروزه^۲

۱. استادیار دانشگاه ارومیه

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی دانشگاه ارومیه

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۶/۱۰/۲۶

تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۴/۱۲

چکیده

هدف این تحقیق، بررسی عوامل انگیزشی داوطلبان در ورزش دانشگاهی می باشد. در این تحقیق جامعه آماری ما را در تعداد ۶۵۰ نفر از اعضای نهضت داوطلبی و انجمن های ورزشی دانشگاه های شمال غرب تشکیل می دادند که تعداد ۱۲۰ نفر از آنان با استفاده از نمونه گیری خوشه ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه محقق ساخته که پایایی پرسشنامه در یک مطالعه راهنما و با استفاده از ضریب همبستگی آلفای کرونباخ ۸۷٪ برآورد شد، جمع آوری گردید. تجزیه و تحلیل داده ها در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از آزمون T انجام شد. تجزیه و تحلیل یافته ها نشان داد که دختران و پسران بالاترین امتیاز مربوط به عامل رشد شخصی، و کمترین امتیاز مربوط به فاکتور ارزش می باشد. جنس تأثیر معنی داری بر تعامل اجتماعی، رسمیت، عزت نفس و سرگرمی داشت. با بررسی نقش رشته تحصیلی مشخص شد که در دانشجویان تربیت بدنی بیشترین و کمترین عامل انگیزشی مربوط به عوامل رسمیت و ارزش بود. همچنین در دانشجویان رشته های غیر تربیت بدنی، بیشترین عامل انگیزشی مربوط به عامل تعامل اجتماعی و عامل ارزش کمترین درصد انگیزشی دانشجویان را به خود اختصاص داد. در عوامل انگیزشی توسعه شغلی، رسمیت، عزت نفس و رشد شخصی بین دانشجویان تربیت بدنی و غیر تربیت بدنی تفاوت معنی داری مشاهده شد.

کلیدواژه های فارسی: داوطلبان، عوامل انگیزشی، دانشجویان تربیت بدنی.

مقدمه

در فرآیند تشکیل سازمان‌ها و جامعه منابع انسانی نقش محوری را ایفا می‌کنند که بدین منظور می‌توان آن را از ضروریات هر رویداد دانست. بخشی از منابع انسانی را داوطلبان تشکیل می‌دهند که اکثراً "در کشورها به عنوان سازمان‌های NGO (Non Government Organization) فعالیت می‌کنند و می‌توانند در پیشبرد اهداف جامعه و سازمان، مؤثر باشند. افراد داوطلب بخش مهمی از منابع انسانی بسیاری از سازمان‌های ورزشی و تفریحی جهان را نیز تشکیل می‌دهند. امروزه ورزش در کشورهای پیشرفته جهان بر داوطلب‌گرایی متمرکز می‌باشد که توسط افراد زیادی از داوطلبان هدایت و به پیش برده می‌شود (۱) در تعریف داوطلبی از ABS Australian Bureau of Statistics (۲۰۰۴) به تفاوت در محدوده‌های خدمات، غیر رسمی بودن و کار بدون چشم داشت، اشاره شده است. پنج خصیصه داوطلبی شامل (۱) بدون سود بودن (۲) کار برای منافع انجمن یا نهاد (۳) کار انتخابی (۴) کار بدون حقوق (۵) کارهای معین، می‌باشد (۲). ویلسون^۱ نیز در سال (۲۰۰۰) داوطلبی را به عنوان فعالیتی برای کمک به دیگران بدون توقع و کاملاً "آزادانه تعریف کرد (۳). گراهام کاسکی^۲ (۲۰۰۶)، مدیریت صحیح و فهم دقیق از کارهای داوطلبان در ورزش را از اصول ابتدایی حمایت و پرورش این افراد و گروه‌های با ارزش دانست (۴). داوطلبی دارای مزایای مختلفی هم برای فرد داوطلب و هم جامعه می‌باشد. ایروان مونگر^۳ (۲۰۰۵)، به این نکته اذعان دارد، که پدیده داوطلبی علاوه بر ارتقای سطح اقتصادی، به بالا بردن سطح ارزش‌های اجتماعی نیز منجر می‌گردد (۵). اویسترلی و همکاران^۴ (۲۰۰۴)، نهضت داوطلبی را یکی از بزرگترین رویدادها برای توسعه اجتماع و مدنیت می‌دانند، زیرا مسئولیت‌پذیری و احترام به اصول شهری را در جامعه توسعه می‌بخشد (۶). همچنین داوطلبی می‌تواند بلوغ نوجوانان را تسهیل نماید، چنانچه پوزی و مارتا^۵ در سال ۲۰۰۶ به این نتیجه رسیدند که در داوطلبی جوانان با موقعیت‌های

1. Wilson
2. Cuskelly, G
3. Ironmonger
4. Oesterle, S., Kirkpatrick Johnson, M., & Mortimer, J. T.
5. Pozzi, M., & Marta, E

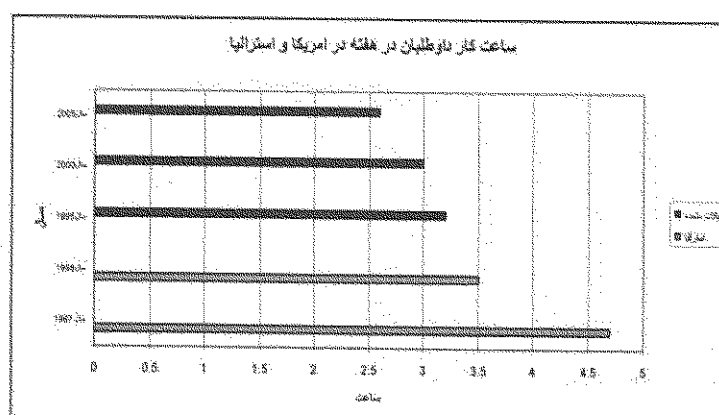
مختلف اجتماعی و همچنین افراد متفاوت روبرو می‌شوند و آنان در این ارتباط می‌توانند تجربیات گران‌بهایی به دست آورند، که در آینده آنان در اجتماع مفید می‌باشد. از طرف دیگر داوطلبی به آنان احساس تعهد و نیز تعلق به جامعه را القا خواهد کرد. در واقع داوطلبی به جوانان در رشد احساس مسئولیت، اعتماد به نفس و خودشناسی کمک شایانی خواهد کرد (۷). جوانان و نوجوانان با شادی و نشاط در برنامه‌های داوطلبی شرکت می‌نمایند و از تعامل با سالخوردگان و میان سالان در این نهضت برای خود دارای ارزش و احترام شده و سرانجام به صورت حرفه‌ای به ایفای نقش خود در داوطلبی می‌پردازند (۸).

اقتشار مختلفی از افراد جوامع غربی در این نهضت نقش ایفا می‌کنند که علاوه بر مزایای اجتماعی، مزایای اقتصادی نیز برای جامعه خود به ارمغان می‌آورند. طی آماری که در سال ۲۰۰۴ توسط نیکولز^۱ و همکارانش ارائه شد، ۵/۱ درصد از مردم بریتانیا به صورت رسمی داوطلب می‌باشند. همچنین ۸/۱ میلیون داوطلب عضو کلوپ‌های ورزشی می‌باشند که ۲۷٪ از کل داوطلبان انگلستان را تشکیل می‌دهند. سهم داوطلبان ورزشی ۱/۲ بیلیون ساعت در سال می‌باشد و هر نفر به طور میانگین ۲/۵ ساعت از وقت هفتگی خود را صرف کمک به اجرای فعالیت‌های ورزشی می‌کند (۹).

با توجه به آمار NSGVP (National Survey of Giving Volunteering and Participation) در سال ۲۰۰۰ در حدود ۱/۱۷ میلیون نفر از مردم کانادا در زمینه ورزش داوطلب بودند (۱۰) می‌توان المپیک را بهترین مظهر تحولی نیروهای داوطلبی دانست. بنا به آمار در المپیک‌های آتلانتا ۶۰۵۰۰ داوطلب و در سیدنی حدود ۴۷۰۰۰ داوطلب حضور داشتند ولی تعداد داوطلبان در المپیک آتن (۲۰۰۴) در قیاس با المپیک‌های قبل بیشتر و در حدود ۶۵۰۰۰ داوطلب حضور داشتند. ۵۵ درصد داوطلبان را زنان و ۴۵ درصد آنان را نیز مردان تشکیل می‌دادند. همچنین بر طبق این تحقیق که توسط پاور^۲ (۲۰۰۴) صورت گرفت، داوطلبی حس میثولیت‌پذیری و خدمات اجتماعی را در مردم جامعه یونان ارتقاء داد (۱۱).

1. Nichols
2. Power

البته با توجه به نمودار ۱ و مقایسه دو کشور استرالیا و ایالات متحده آمریکا در می‌یابیم که با گذشت زمان ساعات کاری داوطلبان در این کشورها رو به افول گذاشته است که زنگ خطری برای کشورها می‌باشد و باید با تحقیق و تفحص به علل کاهش تمایل شرکت داوطلبان پرداخت.



Note: Figures draw upon IS, 1999,2001; ABS, 2001; Points of light Foundation, 2004;

PMCBP,2005.

نمودار ۱. ساعات کار داوطلبان در هفته در دو کشور آمریکا و استرالیا

انگیزش یک تمایل طبیعی فرد برای هدایت به سوی تمایلاتش می‌باشد و انگیزش بیرونی از محرک‌های محیطی نشأت گرفته و تکرار می‌شوند. برای حضور داوطلبان در طول سال‌ها، انگیزش‌های متنوعی عنوان شده است. در این زمینه وانگ^۱ در سال ۲۰۰۱ در تحقیق خود که روی ۹۳۵ نفر از داوطلبان المپیک سیدنی انجام داد ۵ عامل انگیزشی داوطلبان را مشخص نمود که شامل ارزش‌های بشر دوستانه، توسعه شخصی، روابط اجتماعی و سازگاری و اجتماعی بود (۱۲). مورس و همکارانش^۲ نیز در تحقیقی که روی ارتباط بین سن و عوامل انگیزشی داوطلبان در سال ۲۰۰۳ انجام دادند ۷ عامل شغل، دوست‌یابی، اجتماعی، ارزش، حمایت، سود و فهم را بررسی نمودند. همچنین مشخص شد که با افزایش سن عوامل شغلی و فهم از زندگی کاهش و عامل

1. Wang

2. Morris A. Okun and Amy Schultz

اجتماع افزایش می‌یابد (۱۳). کیم دورسچ و همکاران^۱ (۲۰۰۲)، در تحقیق خود روی داوطلبان در سازمان‌های ورزشی هفت عامل را بررسی کردند که به ترتیب عوامل کمک به اجتماع، کمک به دیگران، تعامل اجتماعی، شناسایی، امتیازات فرهنگی، سرگرمی، پیشرفت شغلی و وظیفه را به عنوان عوامل انگیزشی شناسایی کردند. در این تحقیق زنان در انگیزش‌های کمک به دیگران، تعامل اجتماعی، سرگرمی و پیشرفت شغلی از مردان پیش افتاده بودند (۱۴). آقاسی چون و آلباما^۲ (۲۰۰۳) در رساله کارشناسی ارشد خود از آکادمی ورزش ایالات متحده داوطلبان بازی‌های جام جهانی فوتبال کره و ژاپن را مورد مطالعه قرار داد که ارتباط معنی‌داری بین رضایت داوطلبان با فاکتورهای انگیزشی در هر دو جنس دیده نشد (۱۵). سولبرگ^۳ نیز در سال (۲۰۰۳)، در تحقیق خود روی داوطلبان در بازی‌های جهانی هاکی روی یخ به این نتیجه رسید که اکثر آنان از داوطلبی لذت می‌برند و بیشتر به دنبال فواید روانی حاصل از داوطلبی می‌باشند (۱۶).

همچنین مارتا و همکارانش^۴ در سال ۲۰۰۶ با استفاده از پرسشنامه عملکرد داوطلبان Voluntary Function Inventory (VFI) چهار عامل انگیزشی شغلی، اجتماعی، حفاظتی و ارزش را در داوطلبان بررسی کردند (۱۷). توماس و همکاران^۵ در سال ۲۰۰۴ با استفاده از پرسشنامه ۶ عامل انگیزشی داوطلبان را بررسی نمودند. در این بررسی عوامل نوع دوستانه، اجتماعی، روابط با دیگران، سود شخصی و روابط شغلی و ارزش تأیید شدند. همچنین عوامل انگیزشی در دختران و پسران متفاوت گزارش شد. نمرات دختران در همه عوامل از پسران بالاتر بود. ترتیب عوامل دختران و پسران مشابه بود. هر دو جنس در عامل نوع دوستی بالاترین امتیاز را کسب نمودند (۱۸). همچنین دونوارد و رالستون^۶ در سال ۲۰۰۶ نشان دادند که داوطلبی موقعیت مناسبی را برای جذب افراد به طرف ورزش فراهم می‌کند (۱۹). در تحقیقی که موک و همکارانش^۷

1. Kim, D. Dorsch

2. Chun, H, Albama, D

3. Solberg

4. Marta, E. Guglielmetti, C, Pozzi, M

5. Thomas D. Fletcher and Debra A. Major

6. Paul M. Downward^a; Rita Ralston

7. Mook, L. Handy, F Quarter, J

در سال ۲۰۰۷ روی ۶۶۱ بخش بدون سود non-profit و داوطلبی در کانادا انجام دادند دو فاکتور را برای حفظ داوطلبان بررسی کردند که شامل مشخصه‌های سازمان‌ها و نگرش مدیران اجرایی داوطلبان بود. بر طبق این تحقیق سازمان‌های بزرگتر برای داوطلبان ارزش بیشتری قائل بودند و بیشتر مایل به حفظ داوطلبان می‌باشند. همچنین شیوه نگرش مدیران اجرای نقش مهمی بر روی استخدام و عملکرد داوطلبان در سازمان‌ها دارد (۲۰). جورج و همکاران^۱ (۲۰۰۲) نیز اعلام داشتند که دختران را نسبت به پسران تمایل بیشتری برای داوطلبی دارند (۲۱). ایسموند و دانلوپ^۲ (۲۰۰۴)، نیز در بررسی خود روی داوطلبان عامل ارزش را بالاترین عامل انگیزشی آنان دانستند (۲۲).

در دو دانشگاه حاجت تپه و قاضی ترکیه ۶۲/۳ درصد از افراد اداره کننده کلوپ‌های ورزشی دانشگاه را دانشجویان داوطلب تشکیل می‌دهند و بخش اعظمی از دانشجویان به صورت رایگان در بخش‌های ورزشی دانشگاه به ایفای نقش می‌پردازند. طبق آمار اعلامی بخش ورزش هر دو دانشگاه ملی در سال ۲۰۰۴-۲۰۰۵ در دانشگاه حاجت تپه ۳۶٪ و در دانشگاه قاضی حدود ۲۹/۵٪ در هزینه‌های پرسنلی بخش ورزش دانشگاهی صرفه جویی داشته‌اند (۲۳). آنچه را که می‌توان به وضوح به آن اشاره کرد ضرورت برنامه‌ریزی و مشارکت دهی داوطلبین به صورت گروه‌ها و اتحادیه‌های داوطلب دانشجویی در مدیریت ورزشی دانشگاه‌های کشور می‌باشد. در کشور ما هنوز نهضت داوطلبی رونق نگرفته است و از آنجا که در کشور ما سیر تحولات ورزشی باید به سوی همگانی کردن آن باشد و از طرفی کشور با افت بودجه برای امر ورزش مواجه می‌باشد باید به دنبال راه حلی برای جذب افراد به سوی ورزش با کمترین هزینه از سوی دولت رهنمون سازیم. از طرفی می‌بایست کادر اجرایی لازم برای مسابقات دانشجویی را با هوشیاری و آموزش مربوطه، در هنگام لزوم در اختیار داشته باشیم، لذا محقق به دنبال راه حلی می‌باشد تا با شناسایی انگیزه‌های داوطلبان در ورزش راه کارهایی را برای حضور این پتانسیل را در دانشگاه‌ها ارائه نماید.

1. Judge, T. A., Heller, D. and Mount, M.K

2. Esmond, J. Investigator C. Dunlop P

روش تحقیق:

جامعه آماری را تعداد ۶۵۰ نفر از اعضای نهضت داوطلبی و انجمن های ورزشی دانشگاه های شمال غرب ایران را تشکیل می دادند که تعداد ۱۲۰ نفر از آنها از طریق نمونه گیری خوشه ای به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. در این تحقیق ۶۵ نفر پسر و ۵۵ نفر دختر شرکت داشتند، که ۷۰ نفر از آنان دانشجوی رشته تربیت بدنی و ۵۰ نفر از رشته های دیگر بودند.

برای سنجش عوامل برانگیزاننده داوطلبی از پرسشنامه محقق ساخته با الهام از پرسشنامه مورد استفاده جودی ایسموند و پاتریک داونلوپ Volunteer Motivation Inventory (VMI) استفاده گردید. پرسشنامه مذکور با حذف و اضافه کردن برخی فاکتورها و عوامل و نظرات اساتید با ساختار و فرهنگ ایران همسان و از روایی مناسب برخوردار گردید.

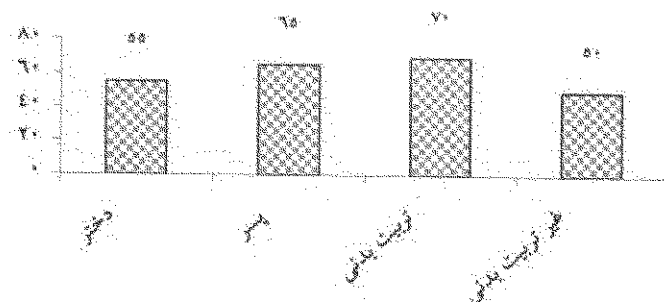
برای سنجش پایایی و پرسشنامه در یک مطالعه راهنما و با استفاده از ضریب همبستگی آلفای کرونباخ ۸۷٪ برآورد شد. این پرسشنامه متشکل از ۳۱ سؤال ۵ ارزشی می باشد که انگیزه ها را در هفت عامل رشد شخصی، تعامل اجتماعی، رسمیت، عزت نفس، سرگرمی، ارزش و توسعه شغلی می سنجد. از پرسشنامه مشخصات فردی بی نام برای تعیین جنس و رشته تحصیلی نیز استفاده شد.

این مقاله از نوع تحلیلی _ توصیفی می باشد. تجزیه و تحلیل اطلاعات در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام شده است. روش های آماری توصیفی مانند محاسبه فراوانی ها و درصد آنها و میانگین نمرات، انحراف معیار و انحراف استاندارد نمرات بوده است. همچنین برای بررسی معنی دار بودن رابطه متغیرها از آمار استنباطی استفاده شده است. جهت بررسی تفاوت عوامل انگیزشی بین و پسران و همچنین دانشجویان تربیت بدنی و غیر تربیت بدنی از آزمون T استفاده گردید.

نتایج و یافته ها

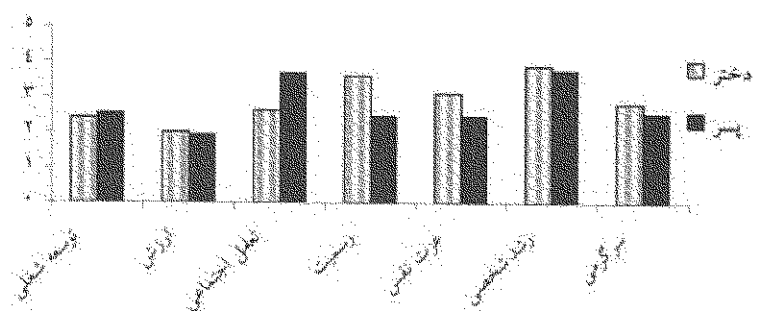
در ابتدا محقق به تقسیم بندی آزمودنی ها بر حسب جنس و رشته تحصیلی پرداخت. که در نمودار شماره ۲ مشاهده می گردد. همان طور که از جدول بر می آید بیشترین تعداد

داوطلبان دختر ۵۵ نفر و پسر ۶۵ نفر است. دانشجویان تربیت بدنی ۷۰ نفر از داوطلبان را تشکیل می‌دادند و ۵۰ نفر از آنان از رشته‌های دیگر بودند.



نمودار ۲. فراوانی دانشجویان پسر، دختر، تربیت بدنی و غیر تربیت بدنی

در بررسی عوامل انگیزشی دانشجویان دختر و پسر به نتایج مندرج در نمودار ۳ رسیدیم. همان‌طور که در این نمودار مشاهده می‌شود در دختران به ترتیب عوامل رشد شخصی، رسمیت، عزت نفس، سرگرمی، تعامل اجتماعی، توسعه شغلی و ارزش بیشترین امتیازات انگیزشی را به خود اختصاص دادند و در پسران عوامل رشد شخصی، تعامل اجتماعی، سرگرمی، توسعه شغلی، رسمیت، عزت نفس و ارزش به ترتیب بیشترین و کمترین عوامل انگیزشی بودند. در دختران و پسران بیشترین کمترین عامل یکسان می‌باشد و مربوط به دو عامل رشد شخصی و عامل ارزش می‌باشد. همچنین فقط در دو عامل تعامل اجتماعی و ارزش امتیاز پسران بیشتر از دختران می‌باشد و در بقیه عوامل میانگین نمره دختران بیشتر بود. در دو عامل توسعه شغلی و ارزش دانشجویان دختر و پسر تقریباً امتیاز برابری به دست آوردند.



نمودار ۳. میانگین امتیازات دانشجویان دختر و پسر در هر یک از عوامل

برای بررسی تفاوت‌های عوامل انگیزشی بین دانشجویان دختر و پسر از آمار استنباطی، آزمون T استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌گردد هفت عامل توسعه شغلی، ارزش، تعامل اجتماعی، رسمیت، عزت نفس، رشد شخصی و سرگرمی مورد آزمون قرار گرفتند که در این میان چهار عامل اجتماعی، رسمیت، عزت نفس و سرگرمی در بین دو جنس تفاوت معنی‌داری داشتند و عوامل دیگر در بین پسران و دختران تفاوت معنی‌داری نداشته‌اند.

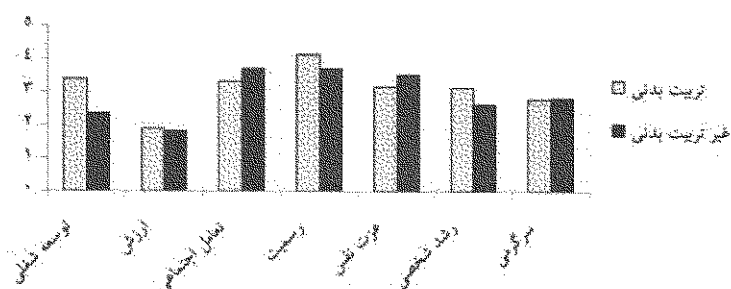
جدول ۱. بررسی تفاوت معنی‌داری عوامل انگیزشی بین دختران و پسران

عامل	آماره	T	df	sig	میانگین انحراف استاندارد
توسعه شغلی	-۰/۹۹۹	۱۱۸	۰/۳۲۰	-۰/۱۳۱۷	
ارزش	۰/۸۱۷	۱۸۸	۰/۴۱۶	۰/۱۰۳۴	
تعامل اجتماعی	-۱۰/۸۶۸	۱۸۸	۰/۰۰۰	-۱/۰۶۱۶	
رسمیت	۱۱/۳۲۴	۱۸۸	۰/۰۰۰	۱/۱۸۲۰	
عزت نفس	۸/۱۲۱	۱۱۸	۰/۰۰۰	۰/۶۸۹۳	
رشد شخصی	۱/۶۲۱	۱۱۸	۰/۱۰۸	۰/۱۹۵۷	
سرگرمی	۳/۸۲۶	۱۱۸	۰/۰۰۰	۰/۲۶۶۸	

در بررسی عوامل انگیزشی دانشجویان تربیت بدنی و غیر تربیت بدنی که با استفاده از آمار توصیفی انجام گردید به نتایج مندرج در نمودار ۴ رسیدیم. همان‌طور که در این نمودار مشاهده می‌شود در دانشجویان تربیت بدنی به ترتیب عوامل رسمیت، توسعه شغلی، تعامل اجتماعی، عزت نفس، رشد شخصی، سرگرمی و ارزش بیشترین امتیازات انگیزشی را به خود اختصاص دادند. همچنین در دانشجویان غیر تربیت بدنی عوامل تعامل اجتماعی، رسمیت، عزت نفس، سرگرمی، رشد شخصی، توسعه شغلی و ارزش به ترتیب بیشترین و کمترین عوامل انگیزشی بودند. در دانشجویان رشته تربیت بدنی بیشترین امتیاز مربوط به عامل رسمیت و کمترین عامل مربوط به عامل انگیزشی ارزش می‌باشد در صورتی که دانشجویان غیر تربیت بدنی ابتدا به عامل تعامل اجتماعی اهمیت می‌دهند و در مرحله بعد به رسمیت علاقه‌مندند و در آخر نیز به عامل ارزش بها می‌دهند.

همچنین در عوامل توسعه شغلی، ارزش، رسمیت و رشد شخصی امتیاز تربیت بدنی بیشتر از دانشجویان غیر تربیت بدنی بود و در سایر موارد امتیاز دانشجویان غیر

تربیت بدنی بیشتر بود. به نظر رسید که در عوامل سرگرمی و ارزش بین دانشجویان تربیت بدنی و غیر تربیت بدنی تفاوت زیادی وجود نداشت.



نمودار ۴. میانگین امتیازات دانشجویان تربیت بدنی و غیر تربیت بدنی مربوط به هر یک از عوامل

برای بررسی تفاوت‌های عوامل انگیزشی بین دانشجویان رشته تربیت بدنی و غیر تربیت بدنی نیز آمار استنباطی، آزمون T استفاده شد.

همان‌طور که در جدول ۲ آورده شده است، هفت عامل توسعه شغلی، ارزش، تعامل اجتماعی، رسمیت، عزت نفس، رشد شخصی و سرگرمی مورد آزمون قرار گرفتند که در این میان چهار عامل توسعه شغلی، رسمیت، عزت نفس، رشد شخصی در بین دانشجویان رشته تربیت بدنی و غیر تربیت بدنی تفاوت معنی‌داری داشتند و سه عامل دیگر ارزش، تعامل اجتماعی و سرگرمی در بین دانشجویان رشته تربیت بدنی و غیر تربیت بدنی تفاوت معنی‌داری نداشته‌اند.

جدول ۲. بررسی تفاوت معنی‌داری در بین دانشجویان تربیت بدنی و غیر تربیت بدنی

عامل	آماره	T	df	sig	میانگین انحراف استاندارد
توسعه شغلی	۸/۵۹۱	۱۱۸	۰/۰۰۰	۰/۰۲۰۹	
ارزش	۱/۰۱۶	۱۸۸	۰/۳۱۲	۷/۶	
تعامل اجتماعی	-۱/۳۱۱	۱۸۸	۰/۰۹۲	-۰/۱۲۵	
رسمیت	-۲/۱۱۷	۱۸۸	۰/۰۳۶	-۰/۲۳۸	
عزت نفس	-۳/۲۳۷	۱۱۸	۰/۰۰۲	-۰/۳۵	
رشد شخصی	-۴/۳۱۸	۱۱۸	۰/۰۰۰	-۰/۴۷۵	
سرگرمی	-۰/۳۷۸	۱۱۸	۰/۷	۲/۴	

بحث و نتیجه‌گیری

در این بررسی که پس از سالها غفلت از نهضت داوطلبی برای اولین بار در ایران صورت گرفته است، نتایج قابل بحثی به همراه داشته است. همان‌طور مشاهده شد در دانشجویان دختر به ترتیب عوامل رشد شخصی، رسمیت، عزت نفس، سرگرمی، تعامل اجتماعی، توسعه شغلی و ارزش بیشترین امتیازات انگیزشی را به خود اختصاص دادند که در برخی فاکتورها با نتایج ایسموند و داوولوپ که رسمیت و رشد شخصی بالاترین امتیاز را کسب نمودند و کیم دورسچ که عامل تعامل اجتماعی را در زنان مؤثر دانست همخوانی داشته و با نتایج ایسموند و دانلوب (۲۰۰۴) که ارزش را بالاترین عامل دانستند همخوانی ندارد. به نظر می‌رسد دانشجویان خواهان به رسمیت شناختن و توجه اجتماعی در اجتماع می‌باشند. عوامل انگیزشی دانشجویان پسر با دختر در بیشترین و کمترین عامل انگیزشی تفاوت زیادی نداشتند که با نتایج توماس و همکاران همخوانی داشت. کمترین امتیاز مربوط به عامل ارزش است که با نتایج اکثر محققین چون توماس و ایسموند همخوانی ندارد که شاید به علت درک نادرست از داوطلبی ورزشی در کشور ما باشد که هنوز با سیستم ارزشی جامعه ایران عجین نشده باشد.

در عوامل تعامل اجتماعی و توسعه شغلی امتیاز پسران بیشتر از دختران می‌باشد که با نتایج جودج و همکارانش (۲۰۰۲) همخوانی ندارد وی اظهار داشته است که دختران به علت تعامل اجتماعی شدیدتری که دارند بیشتر از داوطلبی لذت می‌برند. در واقع کسانی که برون‌گرا می‌باشند بیشتر از داوطلبی لذت می‌برند. شاید بالا بودن تعامل اجتماعی پسران را بتوان به محیط اجتماعی نسبت داد. همچنین ویلسون اذعان نمود که یکی از عوامل داوطلبی تعامل اجتماعی می‌باشد (۲۴). در عامل رسمیت، دختران امتیاز بیشتری کسب نمودند که با نتایج کیم دورسچ، ایسموند و توماس همخوانی نداشت. در عامل رسمیت دختران امتیاز بیشتری کسب نمودند که با نتایج کیم دورسچ همخوانی نداشت و با نتایج ایسموند همخوانی داشت. در عوامل عزت نفس، سرگرمی و ارزش امتیاز دختران بیشتر بود که به ترتیب با نتایج ایسموند، کیم دورسچ و توماس

و همکارانش مطابقت داشت. عامل تعامل اجتماعی بین دو جنس تفاوت معنی داری داشت و در عامل ارزش تفاوت معنی داری نداشت که با نتایج دورسج همخوانی نداشت. در این میان باید به میل به تعامل اجتماعی بیشتر پسران نسبت به دختران اشاره کرد که شاید به دلیل ارزش های فرهنگی موجود در جامعه ایران باشد.

در دانشجویان تربیت بدنی به ترتیب عوامل رسمیت، توسعه شغلی، تعامل اجتماعی، عزت نفس، رشد شخصی، سرگرمی و ارزش بیشترین امتیازات انگیزشی را به خود اختصاص دادند. البته از این نتیجه که توسعه شغلی برای دانشجویان این رشته مهم می باشد نباید تعجب نمود زیرا در زمان کنونی اکثر دانشجویان دغدغه های مربوط شغل را دارند. همچنین در دانشجویان غیر تربیت بدنی عوامل تعامل اجتماعی، رسمیت، عزت نفس، سرگرمی، رشد شخصی، توسعه شغلی و ارزش به ترتیب بیشترین و کمترین عوامل انگیزشی بودند. در دانشجویان رشته تربیت بدنی بیشترین امتیاز مربوط به عامل رسمیت و کمترین عامل مربوط به عامل انگیزشی ارزش می باشد در صورتی که دانشجویان غیر تربیت بدنی ابتدا به عامل تعامل اجتماعی اهمیت می دهند و در مرحله بعد به رسمیت علاقه مندند و در آخر نیز به عامل ارزش بها می دهند. همچنین در عوامل توسعه شغلی، ارزش، رسمیت و رشد شخصی امتیاز تربیت بدنی بیشتر از دانشجویان غیر تربیت بدنی بود و در سایر موارد امتیاز دانشجویان غیر تربیت بدنی بیشتر بود. شاید عضویت در گروه هایی در قالب داوطلبین و به القاب و اسماء گوناگون که به هر نحوی بتواند هویتی به افراد برای شناخته شدن در جامعه و هواداری از انجمن و یا نهادی را پی ریزی نماید بتواند در ارضای میل رسمیت در دانشجویان راهگشا باشد. احتمالاً "صدور کارت عضویت برای افراد و نیز ارائه تسهیلاتی برای استفاده های اجتماعی و نه شخصی بتواند انگیزه ای برای حضور برخی از افراد به این حوزه باشد.

احتمالاً "دانشجویان به علت تعصب روی دانشگاه محل تحصیل در نهضت های داوطلبی و یا انجمن های ورزشی دانشکده های خود در گیر می شوند که می تواند رویکردی تازه با مسئله نهضت داوطلبی را نمایان سازد. به نظر رسید که در عوامل سرگرمی و ارزش بین دانشجویان تربیت بدنی و غیر تربیت بدنی تفاوت زیادی وجود نداشت. همچنین از میان این عوامل، چهار عامل توسعه شغلی، رسمیت، عزت نفس و

رشد شخصی در بین دانشجویان رشته تربیت بدنی و غیر تربیت بدنی تفاوت معنی داری داشتند. حال که توانستیم عوامل انگیزشی افراد را در ورزش بررسی نماییم اکنون می‌بایست با همسو سازی فعالیت‌ها در این زمینه برای سازماندهی داوطلبان در امر ورزش به تحقیق این خواست عمومی پرداخت. باید به این نکته اشاره کنیم که می‌بایست دقت نماییم که با مرور تجربیات دیگران در خارج از کشور و تطبیق سازماندهی آنان با جامعه خود در جهت خصوصاً "سازماندهی داوطلبان و آمارگیری از آنان از دوباره کاری‌ها و خطاهای پیش رو و صرف هزینه‌های اضافی جلوگیری نماییم چرا که یکی از ضروریات توجه به این مسئله کمبود بودجه و امکانات در ورزش می‌باشد.

منابع:

۱. حمیدی، مهرزاد (۱۳۸۴). مدیریت و طرز اجرای مسابقات ورزشی. تهران: بامداد کتاب، چاپ اول.
2. (ABS) Australian Bureau of Statistics (2004), Information Papar. Measuring Social Capital. An Australian Framework and Indicators, ABS Catalogue, 1378, 0.
3. Wilsan, J. (2000). Volunteering Annual Review of Sociology, 26, 215-240.
4. Cuskelly, G., Chris, R.H. (2006). Working with volunteers in sport: theory and practices. Rout ledge.
5. Ironmonger, D. (2000). The economic value of volunteering in South Australia, Melbourne Households Research Unit, Department of Economics, University of Melbourne.
6. Oesterle, S., Kirkpatrick, J.M., & Mortimer, J.T. (2004). Volunteerism during the transition to adulthood: A Life course perspective. *Social Forces*, 82(3), 1123-1149.
7. Pozzi, M., Marta, E. (2006). Determinanti Psico-sociali del volontariato durante la transizione all'et'a adulta (Psycho-social determinants of volunteerism during the transition to the adult age). *Psicologia Sociale*. 1, 175-196.
8. Wolf, S. (2004). Perceptions of voluntary processes by teenagers assisted by volunteers. Unpublished Master's thesis, Bar Ilan University, Ramat Gan.
9. Nichols, G., Taylor, P., James, M., Garrett, R., Holmes, K., King, L., Gratton, C., and Kokolakis, T. (2004a). Voluntary activity in UK sport. *Voluntary Action* 6(2), 31-54.
10. Doherty, A. (2005). Parks and Recreation Ontario and Sport Alliance of Ontario. *Community Sport Volunteers*. PP: 10-51.

11. Power, J. (2004). Greece was game. Defying skeptics, untended nation delivers a winner. *Boston glob.* 30 August.
12. Wang, P.Z. (2001). Motivations for sports volunteerism: Theory and measurement, Working paper Series No. 6, Sydney: University of Technology School of Marketing.
13. Morris, A.O., Amy, S. (2003). Age and Motives for Volunteering: Testing Hypotheses Derived From Socioemotional Selectivity theory. *Journal Psychology and Aging*. 18(2), PP: 231-239.
14. Dorsch, D. Kim, Riemer, A., Harold. Sluth, Valerie. Paskenvich, M Dvid. Chelladurai, Packianathan (2002). What drives sport volunteers. University of Regina. URL [Http://www.nonprofitscan.ca](http://www.nonprofitscan.ca).
15. Chun, H., Albama, D. (2003). A Study of volunteers motivation and satisfaction in the 2002 fifa world cup korea japon. A thesis submitted to the faculty of the united stated sports academy in partial fulfillment of the requirement for degree of master of sport science.
16. Solberg, H.A. (2003). Major sporting events: assessing the value of volunteers work. *Managing Leisure J.* 8. Iss1. PP: 17-27.
17. Marta, E., Guglielmetti, C., Pozzi, M. (2006). Volunteerism During Young Adulthood: An Italian Investigation into Motivational Patterns.
18. Thomas, D., Fletcher, D., Major, A. (2004). Medical Students' Motivations to Volunteer: An Examination of the Nature of Gender Differences. *Journal Sex Roles*, 51, Nos: 1/2.
19. Downward, P.M., Ralston, R. (2006). The Sports Development Potential of Sports Event Volunteering: Insights from the XVII Manchester Commonwealth Games. *European Sport Management Quarterly*, 6, Issue 4, PP: 333-351.
20. Mook, L., Handy, F., Quarter, J. (2007). Reporting Volunteer Labour at the Organizational Level: A Study of Canadian Nonprofits. *Journal Voluntas*. 18. PP: 55-71.
21. Judge, T. A., Heller, D. and Mount, M.K. (2002). "Five-factor model of personality and job satisfaction: a meta-analysis". *Journal of Applied Psychology*. 87(3): PP: 530-41.
22. Esmond, J., Investigator, C., Dunlop, P. (2004). Developing the volunteer Motivation Inventory to Assess the Underlying Motivational Drives of Volunteers in Western Australia. A Research Project funded by Lotterywest Social Research Grant and Undertaken by CLAN WA Inc. PP: 10-15.
23. Doge, gazanfer. (2004-2005). Sport tesislerinin planlan masi. Sport bilimleri iulusal sempozyumu. Hacettepe university. 15-10. mart. Ankara.
24. Wilson, J., Musick, M. (1997). "Who cares? Toward an integrated theory volunteer work", *American Sociological Review*, 62, PP: 694-713.